

فصل دهم

خوردنیها (خوردنیها)

أطعمه

جمع طعام و آن عبارت است از آنچه که انسان می خورد و با آن تغذیه می کند مانند قوت و غیره.

اصل در طعام حلال بودن است: خداوند متعال می فرماید :

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا) (بقره : 168)

«ای مردم از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید».

و می فرماید :

(وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ) (اعراف : 33 - 32)

«و بخورید و بیاشامید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند مسرفان و زیاده روی کنندگان را دوست ندارد، بگو (ای پیامبر) چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزی‌های پاک را حرام کرده است».

هیچ طعامی حرام نیست مگر آنچه خداوند در کتابش یا بر زبان پیامبر حرام کرده است. و حرام گرداندن آنچه خداوند حرام نکرده، دروغ بر خداوند است :

خداوند متعال می فرماید :

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنَ الرِّزْقِ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أُذُنٌ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ. وَمَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (یونس : 60 - 59)

«بگو به من بگوئید آیا چیزهایی را که خدا برای شما آفریده و رزوی شما کرده است و بخشی از آنها را حرام و بخشی از آنها را حلال نموده‌اید، آیا خدا به

شما اجازه داده است یا اینکه بر خدا دروغ می‌بندید، آیا گمان کسنای که بر خدا دروغ می‌بندند درباره (چیزهایی که) در روز قیامت رخ می‌دهد چیست؟».

و می‌فرماید :

(وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ. مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)
(نحل : 116 - 117)

«و به خاطر چیزهایی که تنها (از مغز شما تراوش کرده و) بر زبانتان می‌رود به دروغ مگویید این حلال است و آن حرام، و در نتیجه بر خدا دروغ ببندید، کسنای که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌گردند (سودجویی و بهره‌مندی ایشان از جهان ناچیز است و تمام دنیا با توجه به آخرت کالای کمی است و عذاب دردناکی دارند».

فهرست

خوردنیها:

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ) (أنعام : 119)

«شما چرا باید از گوشت حیوانی نخورید که به هنگام ذبح نام خدا بر آن رفته است، و حال آنکه خداوند گوشت حیواناتی را که بر شما حرام است بیان کرده است مگر ناچار و درمانده شوید (که در اینصورت می‌توانید به اندازه‌ای که رفع ضرورت و دفع هلاک کند از گوشت حرام آن بخورید».

خداوند متعال آنچه را که بر ما حرام است بطور مفصل و واضح بیان نموده است و

می‌فرماید:

(حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ لغيرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْحَنَقَةُ وَ الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقٌ)

(مائده : 3)

«ای مؤمنان بر شما حرام شده است (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک، حیواناتی که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شود و به نام

دیگران سربریده شوند، حیواناتی که خفه شده‌اند، حیواناتی که با شکنجه و کتک کشته شده‌اند، آنهایی که از بلندی پرت شده و مرده‌اند آنهایی که بر اثر شاخ زدن حیوانات دیگر مرده‌اند، حیواناتی که درندگان از بدن آنها چیزی خورده و بدان سبب مرده‌اند، مگر اینکه (قبل از مرگ) آنها را سربریده باشید، و حیواناتی که برای نزدیکی به بتها سربریده شده‌اند، و بر شما حرام است که با چوبه‌های تیر به پیشگویی بپردازید و از غیب سخن گویند همه اینها برای شما گناه بزرگ و خروج از فرمان رحمان است».

و می‌فرماید :

(وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ) (أنعام : 121)

«و از گوشت حیوانی نخورید که نام خدا بر آن برده نشده است؛ چرا که خوردن از چنین گوشتی خروج از فرمانبرداری خدا است».

و می‌فرماید :

(قُلْ لَا أَجِدُ فِيهَا أَوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مُسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ) (أنعام : 145)

«ای پیامبر! بگو در آنچه به من وحی شده است، چیزی را بر خورنده‌ای حرام نمی‌یابم، مگر مردار و خون و گوشت خوک که همه اینها ناپاک هستند و گوشت حیوانی که به نام (بتی یا معبودی) جز خدا ربریده شده باشد».

و می‌فرماید :

(وَ حُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا) (مائده : 96)

«و مادام که در حال احرام هستید نخجیر خشکزی برای شما حرام است».

فهرست

آنچه در حکم مردار است:

عضوی که از حیوان زنده‌ای قطع شود، در حکم مردار است : به دلیل حدیث ابو واقد لیثی از پیامبر ﷺ که فرمود : (ماقطع من البهيمية و هوى حية فهو ميتة) ^[1287] «عضوی که از حیوانی زنده جدا می‌شود، مردار به حساب می‌آید».

خون و مرداری که از این حکم مستثنی است

از ابن عمر (رض) روایت است: (أحل لنا ميتتان و دمان، أما الميتتان فالحوت والجراد، و أما الدمان فالكبد و الطحال)^[1288] «دو مردار و دو خون برای ما حلال شده‌اند دو مردار ماهی و ملخ مرده، و دو خون کبد و طحال هستند».

خوردن گوشت خر اهلی حرام است:

از انس ابن مالک روایت است: (أن رسول الله ﷺ جاءه جاءه فقال: أكلت الحمر، ثم جاءه جاء فقال: أكلت الحمر، ثم جاءه جاء فقال: أكلت الحمر، فامر مناديا فنادي في الناس، إن الله ورسوله ينهي انكم عن لحوم الحمر الأهلية فإنها رجس، لأكفنت القدور، و إنها لتفور باللحم)^[1289]. «شخصی نزد پیامبر آمد و گفت: گوشت خر اهلی خورده شد، سپس شخص دیگری آمد و گفت: گوشت خر خورده شد، بدنبال آن، شخص سومی نزد او آمد و گفت: خرها از بین رفتند، سپس پیامبر به ندا دهنده‌ای دستور داد تا در میان مردم اعلام کند خدا و رسول او شما را از (خوردن) گوشت خرهای اهلی نهی کرده‌اند، چون نجس است، پس دیگها ریخته شدند در حالی که گوشت (خر) در آنها می‌جوشید».

گوشت درندگان نیش‌دار و هر پرنده‌ای که چنگال داشته باشد حرام است

از ابن عباس روایت است: (نهى رسول الله ﷺ عن كل ذي ناب من السباع و عن كل ذي مخلب من الطير)^[1290] «پیامبر از گوشت هر درنده‌ای که نیش، و هر پرنده‌ای که چنگال داشته باشد، نهی کرده است».

فهرست

تحریم جلاله:

جلاله: حیوانی است که بیشتر تغذیه‌اش از نجاست است.

خوردن (گوشت)، نوشیدن شیر، و سوار شدن آن، حرام است.

از ابن عمر روایت است: (نهى رسول الله ﷺ عن لحوم الجلالة و ألبانها)^[1291] «پیامبر از خوردن گوشت جلاله و شیر آن نهی کرده است».

همچنین از ابن عمر روایت است: (نهى رسول الله ﷺ عن الجلالة فى الإبل، أن يركب عليها، أو يشرب من ألبانها)^[1292] «پیامبر از سوار شدن بر شتر جلاله و خوردن شیر آن نهی کرده است».

چه وقت جلاله حلال می‌شود؟

اگر جلاله بمدت سه روز قرنطینه (نگهداری) و خوراک پاک به آن داده شود، سربریدن و خوردن گوشت آن جایز است :

از ابن عمر روایت است : (أَنَّهُ كَانَ يَحْبِسُ الدَّجَاجَةَ الْجَلَالَةَ ثَلَاثًا) [1293] «او مرغ جلاله را سه روز قرنطینه (نگهداری) می‌کرد».

خوردنیهای حرام در هنگام اضطرار مباح می‌گردد

خداوند متعال می‌فرماید :

(فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)

(بقره : 173)

«و آنکس که مجبور شد در صورتی که علاقمند و متجاوز نباشد گناهی بر او نیست، خداوند بخشنده و مهربان است».

و می‌فرماید :

(فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)

(مائده : 3)

«اما کسی که در حال گرسنگی ناچار شود (از محرّمات سابق چیزی بخورد تا هلاک نشود) و متمایل به گناه نباشد (مانعی ندارد)؛ چراکه خداوند بخشنده مهربان است».

ابن کثیر(ره) در تفسیرش (2/14) می‌گوید :

یعنی : اگر کسی نیاز شدید پیدا کرد و ناچار شد به خاطر ضرورت از محرّماتی که خداوند ذکر کرده، بخورد ایرادی ندارد، خداوند نسبت به او بخشنده و مهربان است. چون خداوند متعال از نیاز و اضطرار بنده‌ی خود آگاه است، و در نتیجه از او گذشت کرده و گناه او را می‌بخشد، در مسند (امام احمد) و صحیح ابن حبان از ابن عمر روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ أَنْ تُؤْتِيَ رَخْصَةً كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتِيَ مَعْصِيَةً) [1294] «خداوند دوست دارد که از رخصت‌هایش استفاده شود همچنانکه ناپسند می‌داند که نافرمانی‌اش شود».

و به همین دلیل فقهاء گفته‌اند : گاهی اوقات خوردن مردار واجب می‌شود و آن وقتی است که شخص ترس هلاک شدن نفس خود را داشته، و چیزی دیگر غیر از آن رانیابد و بر حسب احوال گاهی مندوب است و گاهی مباح.

در اینکه آیا شخص باید به اندازه رفع گرسنگی از مردار بخورد یا خود را از آن سیر کند، یا علاوه بر سیر کردن خود مقداری را هم بردارد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. همچنانکه در کتابهای فقهی بیان شده است».

در ادامه می‌گوید :

«برخلاف آنچه بسیاری از عوام و غیره می‌پندارند، خوردن گوشت مردار مشروط به این نیست که شخص سه روز غذائی برای خوردن نیابد، بلکه هرگاه مضطر به این کار شود می‌تواند از آن بخورد» اه.

فهرست

ذکات (ذبح) شرعی

تعریف ذکات:

ذکات در اصل بمعنای خوشبو کردن است، مثلاً می‌گویند : (رائحة ذکية) یعنی بوی خوش، و دلیل اینکه ذبح ذکات نامیده می‌شود اینست که اباحه شرعی، آن را پاک می‌کند.

منظور از ذکات در اینجا ذبح حیوان است، چون خوردن گوشت هیچ حیوان حلال – گوشتی – بجز ماهی و ملخ بدون ذبح جایز نیست.

خوردن ذبیحه چه کسی حلال نیست؟

ذبح مسلمان و اهل کتاب حلال است، مرد باشد یا زن :

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ) (مائده: 5)

«و خوراک اهل کتاب برای شما حلال است».

بخاری می‌گوید : «ابن عباس گوید : طعام آنها یعنی : ذبح شده آنها».^[1295]

از کعب بن مالک روایت است : (أن امرأة ذبحت شاة بحجر، فسئل النبي r عن ذلك، فأمر بأكلها)^[1296] «زنی گوسفندی را با سنگ ذبح کرد، از پیامبر r در این باره سؤال شد، پیامبر به خوردن آن دستور داد».

وسیله ذبح:

ذبح با هر وسیله برنده‌ای جایز است، بجز دندان و ناخن :

از عبایه بن رفاعه از جدش روایت است که گفت : ای رسول خدا! (گاهی اوقات) کارداریم، پیامبر r فرمود : **(ما أنهر الدم و ذکر اسم الله فكل، لیس الظفر و السن، أما الظفر فمدی الحبشة، و أما السن فعظم)** [1297] «(اگر با) آنچه خون را برید، ذبح و اسم خدا برده شد، بخور، غیر از ناخن و دندان چون ناخن چاقوی اهل حبشه، و دندان استخوان است».

از شداد ابن اوس روایت است : دو چیز را از پیامبر r حفظ کردم پیامبر r فرمود : **(إن الله كتب الإحسان علی کل شی، فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة، و إذا ذبحتم فأحسنوا الذبح، ولیحد أحدکم شفرته فلیرح ذبیحته)** [1298] «خداوند نیکی کردن، بر هر چیز را واجب کرده است؛ پس هرگاه می‌کشید به بهترین شیوه بکشید، و هرگاه ذبح می‌کنید به بهترین شیوه ذبح کنید، و هر کدام از شما چاقویش را تیزو ذبیحه‌اش را راحت نماید».

چگونگی ذبح:

حیوانات دودسته‌اند: دسته‌ای از آنها ذبحشان مقدور است و دسته‌ای دیگر غیرمقدور.

حیواناتی که ذبحش مقدور است از حلق و گودی زیر گلو ذبح می‌شود.

و حیوانی که سر بریدنش مقدور نیست ذبح آن عبارت است از ریختن خون آن به هر طریقی که ممکن باشد :

از ابن عباس روایت است : محل ذبح، حلق و گودی زیر گلو است.

ابن عمر، ابن عباس و انس گویند : «هرگاه سر قطع شود (خوردن) اشکالی ندارد».

از رافع بن خدیج روایت است : گفتم ای رسول خدا! فردا با دشمن روبرو خواهیم شد، (و از آنان حیوان به غنیمت می‌گیریم) و کارداریم (چکار کنیم؟) پیامبر r فرمود : **(أعجل – أو أرن – ما أنهر الدم و ذکر اسم الل فكل، لیس السن و الظفر، و سأحدثک، أما السن فعظم، و أما الظفر فمدی الحبشة)** «عجله کن یا با هر وسیله‌ای که خون را جاری کند، (آن را) ذبح کند، و (اگر) اسم خدا بر آن برده شد، بخور، به جز دندان و ناخن، و به شما خواهم گفت : دندان، استخوان است، و ناخن چاقوی اهل حبشه»، صحابی گوید : شتران و گوسفندانی را به غنیمت گرفتیم، شتری از آنها فرار کرد مردی آن را با تیر زد و گرفت پیامبر r فرمود : **(إن لهذه الإبل أو ابد كأوبد الوحش، فإذا غلبکم منها شی فافعلوا به هكذا)** [1299] «این شترها ترسی همانند ترس حیوانات وحی دارند که از انسان فرار می‌کنند پس هرگاه شتری از دست شما فرار کرد با آن اینطور (عمل) کنید».

ذبح جنین:

هرگاه جنین بصورت زنده از شکم مادر خارج گردد، باید ذبح شود، ولی اگر مرده خارج شود، ذبح مادرش، ذبح آن محسوب می‌شود:

از ابوسعید روایت است: از پیامبر r درباره جنین سؤال کردیم فرمود: (كلوه إن شئتم فإن ذكاته ذكاة أمه) [1300] «اگر خواستید آنرا بخورید چون ذبح مادرش، ذبح آن محسوب می‌شود».

بسم الله گفتن هنگام ذبح:

شرط حلال بودن حیوان، گفتن بسم الله هنگام ذبح آن است؛ لذا هر کس به طور عمد آنرا ترک کرد؛ ذبیحه‌اش حلال نیست:

خداوند متعال می‌فرماید:

(فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ) (أنعام : 118)

«پس از گوشت چهارپایانی بخورید که به هنگام ذبح نام خدا را بر آن برده‌اند، اگر به آیات خدا ایمان دارید».

و می‌فرماید:

(وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفَسِقٌ وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ)

(أنعام : 121)

«از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است؛ چراکه خوردن از چنین گوشتی نافرمانی (از دستور خدا) است بیگمان شیاطین مطالب و سوسه‌انگیزی را به طور مخفیانه به دوستان خود القا می‌کنند تا اینکه با شما منازعه و مجادله کنند و اگر از آنان اطاعت کنید، بی‌گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود».

از رافع بن خدیج روایت است که پیامبر r به او فرمود: (ما أنهر الدم و ذکر اسم الله فكل) [1301] «(اگر با) وسیله‌ای که خون را جاری کند ذبح شد، و اسم خدا بر آن برده شد، بخور».

رو کردن (حیوان) به قبله:

مستحب است که هنگام ذبح، حیوان را رو به قبله قرار دهد و دعای مذکور در حدیث زیر را بخواند :

از جابر بن عبدالله روایت است : (ذبح النبی r يوم الذبح كبشین أقرنین أملحین موجئین فلما وجههما قال : إني وجهت وجهي للذي فطر السموات و الأرض على ملة إبراهيم حنيفا و ما أنا من المشركين، إن صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله رب العالمين لا شريك له و بذلك أمرت و أنا من المسلمين، اللهم منك ولك عن محمد و أمته، بسم الله و الله أكبر ثم ذبح) [1302] «پیامبر r در روز عید قربان دو قوچ شاخدار و سیاه مائل به سفیدی و اخته شده را ذبح کرد، وقتی انها را رو به قبله کرد، گفت : (إني وجهت وجهي للذي فطر السموات و الأرض على ملة إبراهيم حنيفا و ما أنا من المشركين، إن صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله رب العالمين لا شريك له و بذلك أمرت و أنا من المسلمين، اللهم منك و لك عن محمد و أمته، بسم الله و الله أكبر) بیگمان من رویم را به سوی ذاتی می‌کنم که آسمانها و زمین را آفریده است، و من بر دین ابراهیم حنیف بوده و از مشرکین نیستم، نمازم، قربانی، زندگی و مرگم برای الله پروردگار عالمیان است که هیچ شریکی ندارد و به این امر شده‌ام و من از مسلمانان هستم، خداوندا! (این قربانی‌ای است) از تو و برای تو، از (طرف) محمد و امتش بسم الله و الله اکبر، سپس (حیوان را) ذبح کرد».

فهرست

صید (شکار)

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا) (مائده : 2)

«و هر وقت که از احرام به در آمدید و از سرزمین حرم خارج شدید، شکار کنید».

و می‌فرماید :

(يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ) (مائده : 4)

«از تو سؤال می‌کنند که چه چیز بر آنان حلال شده است؟ بگو بر شما چیزهای پاک حلال شده است، و (نیز شکاری که) حیوانات شکاری صید می‌کنند و شما بدانها آموخته‌اید از آنچه خدا به شما آموخته است؛ پس از صیدی که چنین حیواناتی برای شما نگه می‌دارند، بخورید و نام خدا را بر آن ببرید».

صید دریا در هر حالتی جایز است و صید خشکی هم همینطور، مگر در حالت احرام که جایز نیست : خداوند متعال می‌فرماید :

(أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ وَ لِلسَّيَّارَةِ وَ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا) (مائده : 96)

«صید دریا و خوردن آن برای شما (مقیمان که آنرا تازه به تازه می‌خورید) و برای (شما) مسافران (مؤمن که آنرا خشکیده یا یخ زده و یا بصورت کنسرو می‌خورید) حلال است، ولی مادام که در حال احرام هستید، صید خشکی برای شما حرام است».

صید چه کسانی حلال است:

هر کس ذبیحه‌اش حلال است، صیدش نیز حلال است.

ابزار صید:

صید گاهی با اسلحه برنده مانند شمشیر و چاقو و تیر انجام می‌گیرد و گاهی با حیوانات شکاری : خداوند متعال می‌فرماید :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ) (مائده : 4)

«ای مؤمنان مسلماً خداوند شما را با (تحریم) برخی از صید که دستها و نیزه‌های شما بدانها می‌رسند آزمایش می‌کند».

و می‌فرماید :

(وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ) (مائده : 94)

«و (نیز شکاری که) حیوانات شکاری صید میکنند و شما بدانها آموخته‌اید از آنچه که خدا به شما آموخته است؛ پس از صیدی که چنین حیواناتی برای شما نگه می‌دارند بخورید».

هرگاه صید به وسیله اسلحه انجام گیرد، لازم است گلوله یا نیزه بدن آن را پاره کرده و در آن فرو رود.

و هرگاه صید با حیوانات شکاری، انجام گیرد لازم است که حیوان تعلیم داده شده باشد، و از نخجیر نخورد و با حیوان شکاری حیوان دیگری یافت نشود.

و برای حلال بودن صید، گفتن بسم الله هنگام پرتاب تیر یا فرستادن حیوان شکاری شرط است :

از عدب بن حاتم روایت است : از پیامبر r درباره صید با معراض [\[1303\]](#) (*) سؤال کردم فرمود : (إِذَا أَصَبْتَ بَحْدَهُ فِكْلًا، فَإِذَا أَصَابَ بَعْرَضَهُ فَقَتْلُ فَإِنَّهُ وَ قَيْذٌ، فَلَا تَأْكُلُ) «هرگاه حیوان را با نوک تیزش زدی، بخور، ولی اگر عرض آن به حیوان برخورد کرد و آن را کشت، آن حیوان (موقوذة**) است پس نخور، گفتم : سگم را می فرستم، فرمود : (إِذَا أُرْسِلَتْ كَلْبُكَو سَمِيَتْ فِكْلًا) «هرگاه سگت را فرستادی و بسم الله گفتی، بخور»، گفتم : اگر سگ (از آن) خورد چی؟ فرمود : (فَلَا تَأْكُلُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَمْسِكْ عَلَيْكَ، وَ إِنَّمَا أَمْسَكَ عَلَيَّ نَفْسَهُ) «آنها نخور؛ زیرا آنها برای تو نگرفته بلکه برای خود گرفته است» گفتم : سگم را می فرستم و (در کنار شکار) سگی دیگر را با آن می یابم (چی)؟ فرمود : (لَا تَأْكُلُ فَإِنَّمَا سَمِيَتْ عَلَيَّ كَلْبُكَ وَ لَمْ تَسْمِ عَلَيَّ الْآخِرُ) [\[1304\]](#) «آنها نخور؛ زیرا تو تنها بر سگ خودت بسم الله گفته ای نه بر دیگر».

فهرست

صید بوسیله سگ غیر معلم (آموزش داده نشده):

نخجیری که بوسیله سگ غیر معلم شکار شود حلال نیست مگر اینکه بصورت زنده یافته شود و ذبح گردد :

از ابو ثعلبه خشنی روایت است : گفتم : ای پیامبر خدا! ما در سرزمین اهل کتاب زندگی می کنیم، آیا می توانیم در ظرفهایشان غذا بخوریم؟ و در سرزمینی هستیم که شکار زیاد است، و با کمان و سگ غیر معلم و معلم خود صید می کنیم، کدامیک از آنها برایم درست است؟ فرمود : (أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَإِنْ وَجَدْتَ غَيْرَهَا فَلَا تَأْكُلُوا فِيهَا، وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوا فَاغْسِلُوهَا وَ كُلُوا فِيهَا، وَ مَا صَدَتْ بِقَوْسِكَ فَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ وَ مَا صَدَتْ بِكَلْبِكَ الْمَعْلَمِ فَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ، وَ مَا صَدَتْ بِكَلْبِكَ غَيْرِ مَعْلَمٍ فَأَدْرِكْتَ ذَكَاتَهُ فَكُلْ) [\[1305\]](#) «اما آنچه از اهل کتاب گفتی، اگر ظرفی غیر از آن یافتی، در ظرف آن نخورید، و اگر نیافتید آن را بشوئید و در آن بخورید، و حیوانی را که با کمان یا سگ معلم صید کردی و

نام خدا را بر آن بردی بخور، (اما) حیوانی را که با سگ غیر معلم صید کردی اگر (قبل از مردن) آنرا ذبح کردی، بخور».

هرگاه نخجیر در آب بیافتاد:

اگر نخجیر در آب بیافتد (و بمیرد) خوردن آن حرام می‌شود: به دلیل فرموده پیامبر^۲ به عدی بن حاتم: (إِذَا رَمَيْتَ سَهْمَكَ فَادْكُرْ اسْمَ اللَّهِ، فَإِنْ وَجَدْتَهُ قَدْ قَتَلَ فَكُلْ، إِلَّا أَنْ تَجِدَهُ قَدْ وَقَعَ فِي مَاءِ فَيْئِكَ لِاتْدَرِي، الْمَاءُ قَتَلَهُ أَوْ سَهْمَكَ)^[1306] «هرگاه تیرت را انداختی نام خدا را بیاور (بسم الله بگو)، اگر آن را کشته یافتی بخور، مگر اینکه در آب افتاده باشد چون در اینصورت نمی‌دانی آیا آب آنرا کشته یا تیر تو».

هرگاه نخجیر دو یا سه روز پس از زدن یافته شد:

اگر کسی تیرش را پرتاب کرد و به نخجیر خورد، و پس از دو یا سه روز بعد از آن پیدا شد اگر نگنبدیده بود می‌تواند آنرا بخورد:

از عدی بن حاتم روایت است که پیامبر^۲ به او فرمود: (وَ إِنْ رَمَيْتَ الصَّيْدَ فَوَجَدْتَهُ بَعْدَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ لَيْسَ بِهِ إِلَّا أَثَرُ سَهْمِكَ فَكُلْ)^[1307] «و اگر به طرف نخجیر (تیر) پرتاب کردی و بعد از یک یا دو روز آنرا یافتی و بجز اثر تیر تو چیز دیگری بر آن نبود آنرا بخور».

از ابو ثعلبه روایت است که پیامبر^۲ فرمود: (إِذَا رَمَيْتَ بِسَهْمِكَ فَعَابَ عَنكَ، فَادْرِكْتَهُ، فَكَلَهُ مَالِمْ يَنْتَنُ)^[1308] «هرگاه تیرت را پرتاب کردی و (نخجیر) ناپدید شد، سپس آنرا پیدا کردی، در صورتیکه بدبو نشده، آنرا بخور».

فهرست

قربانی

تعریف قربانی:

قربانی عبارت از ذبح کردن چهار پایانی در روز عید قربان و ایام تشریق بمنظور نزدیکی به خداوند متعال است.

حکم قربانی:

قربانی بر کسی که توانایی داشته باشد واجب است؛ به دلیل فرموده پیامبر^۲: (مَنْ كَانَ لَهُ سَعَةٌ وَ لَمْ يَضَحْ فَلَا يَقْرَبَنَّ مَصَلَانَا)^[1309] «هر کس توانایی (مال) دارد و قربانی نکند به مصلاهی ما نزدیک نشود».

«وجه استدلال از این حدیث آن است که چون پیامبر r توانمندی را که قربانی نکند، از نزدیک شدن به مصلی نهی کرده، این امر دلالت بر آن دارد که شخص، واجبی را ترک کرده که اگر بوسیله نماز هم به خدا تقرب بجوید، به خاطر ترک آن، نفعی برای او ندارد.

از مخفف بن سلیم روایت است: در عرفه نزد پیامبر r ایستاده بودیم، فرمود: **(یا ایها الناس إن علی کل اهل بیت فی کل عام أضحیة و عتیره)** «ای مردم بر هر خانواده‌ای در هر سال قربانی و عتیره واجب است» آیا می‌دانید عتیره چیست؟ عتیره همان چیزی است که مردم به آن رجبیه گویند. [\[1310\]](#)

ولی عتیره به دلیل فرموده پیامبر r که فرمود: **(لا فرع و لا عتیره)** [\[1311\]](#) «فرع و عتیره‌ای نیست^(*)» منسوخ شده است.

و باید دانست نسخ عتیره مستلزم نسخ قربانی نیست.

از جندب بن سفیان بجلی روایت است: روز عید قربان پیامبر r را دیدم که فرمود: **(من ذبح قبل أن یصلی فلیعد مکانها آخری، و من لم یذبح فلیذبح)** [\[1312\]](#) «هرکس قبل از نماز (عید)، قربانی کند باید (بعد از نماز) حیوان دیگر را به جای آن قربانی نماید، و هر کس قربانی نکرده، قربانی کند».

ظاهر این حدیث بر وجوب قربانی دلالت می‌کند، بویژه اینکه به اعاده آن امر شده است» [\[1313\]](#).

فهرست

چه حیواناتی قربانی شود؟

تنها گاو، گوسفند و بز و شتر، برای قربانی جایز است، به دلیل فرموده خداوند متعال:

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ)
(حج : 34)

«ما برای هر ملتی قربانی را مقدر کردیم تا به نام خدا چهارپایانی را ذبح کنند که خدا بدیشان عطا نموده است».

شتر و گاو برای چند نفر کفایت می‌کند؟

از ابن عباس روایت است: **(كنا مع الرسول r فی سفر فحضر الأضحی، فاشترکنا فی الجزور عن عشرة والبقرة عن سبعة)** [\[1314\]](#) «در سفری با پیامبر r بودیم، عید قربان فرا رسید، هر ده نفرمان در یک شتر و هر هفت نفرمان در یک گاو شریک شدیم».

فهرست

برای مرد و خانواده‌اش یک گوسفند (یا بز) کافی است

از عطاء بن یسار روایت است: (سألت أبا أيوب الأنصاري: كيف كانت الضحايا فيكم على عهد رسول الله؟ قال: كان الرجل في عهد النبي يضحى بالشاة عنه وعن أهل بيته فيأكلونو يطعمون، ثم تباهى الناس فصار كما ترى) [1315] «از ابویوب انصاری سؤال کردم در زمان پیامبر r قربانی در میان شما چگونه بود؟ گفت: در زمان پیامبر r مرد یک گوسفند (یا بز) را از طرف خود و خانواده‌اش قربانی می‌کرد، از آن می‌خوردند و به مردم هم می‌دادند، سپس مردم دچار مباحثات شدند تا به این روز رسیدند که می‌بینی.»

چه حیواناتی برای قربانی جایز نیست

از عبید بن فیروز روایت است: به براء بن عازب گفتم: قربانی‌هایی را که پیامبر r دوست نداشت یا از آن نهی می‌کرد برایمان بگو، گفت: پیامبر r با دستش اینطوری اشاره کرد، در حالیکه دست من کوتاهتر از دست او است، و فرمود: (أربع لا تجزى في الأضاحي: العوراء البين عورها، والمریضة البين مرضها، والعرجاء البين ظلعها، والكسيرة التي لاتنقى) «چهار نوع حیوان برای قربانی جایز نیست، حیوان کوری که کور بودنش واضح باشد، حیوان بیماری که بیماری‌اش آشکار باشد، حیوان لنگی که لنگی‌اش آشکار باشد و حیوان عضو شکسته‌ای که بهبود نمی‌یابد.»

براء گفت: من مکروه می‌دانم که گوش (حیوان قربانی) عیب‌دار باشد، و گفت: هر نقصی را در حیوان ناپسندیدی آن را رها کن (و از قربانی کردن آن خودداری کن) بدون اینکه آنرا بر کس دیگری حرام کنی. [1316]

بزغاله‌ای که عمرش یک سال یا کمتر از آن است برای قربانی جایز نیست، به دلیل حدیث براء بن عازب (رض) که گفت: (ضحى خال لى يقال له أبو بردة قبل الصلاة فقال له رسول الله r شائك شاة لحم، فقال: يا رسول الله، إن عندي داجنا جذعة من المعز، قال: ادبحها، ولا تصلح لغيرك، ثم قال: من ذبح قبل الصلاة فإنما يذبح لنفسه، و من ذبح بعد الصلاة فقد تم نسكه و أصاب سنة المسلمين) [1317] «دایی‌ام ابو بردة قبل از نماز (عید) قربانی کرد، پیامبر r به او فرمود: گوسفندت برای خوردن گوشت است، (جای قربانی را نمی‌گیرد) ابو بردة گفت: ای رسول خدا! بزغاله‌ای دارم (که عمرش یک سال یا کمتر از آن است و در خانه به او علف داده می‌شود). پیامبر r فرمود: آنرا ذبح کن و این کار برای غیر از تو جایز نیست. سپس فرمود: کسی که قبل از نماز (عید) ذبح کند برای خودش ذبح کرده و کسی که بعد از نماز، ذبح کند قربانی‌اش را به طور کامل انجام داده و از سنت و روش مسلمانان پیروی کرده است.»

عقیقه

تعریف عقیقه:

عقیقه با فتح عین حیوانی است که به مناسبت تولد نوزاد ذبح می‌شود.

حکم عقیقه:

عقیقه بر پدر نوزاد واجب است :

برای پسر دو گوسفند همسن، و برای دختر یک گوسفند، ذبح می‌شود :

از سلمان بن عامر ضبی روایت است : از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود : **(مع الغلام عقیقه، فأهريقوا عنه دما، وأميطوا عنه الأذى)** [1318] «با تولد نوزاد پسر عقیقه داده شود، لذا به مناسبت تولدش خونی را بریزید (حیوانی را ذبح کنید) و ناپاکی را از او دور کنید (موی سرش را بتراشید)».

از عائشه روایت است : **(أمرنا رسول الله ﷺ أن نعق عن الغلام شاتين و عن الجارية شاة)** [1319] «پیامبر ﷺ به ما دستور داد که برای تولد پسر دو گوسفند، و برای تولد دختر یک گوسفند را ذبح کنیم».

از حسن بن سمره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : **(كل غلام مرتهن بعقيقته، تذبح عنه يوم السابع و يحلق رأسه ويسمي)** [1320] «هر نوزادی به خاطر عقیقه‌اش در گرو است که باید در روز هفتم تولد عقیقه ذبح، و سر نوزاد تراشیده و نام‌گذاری شود».

وقت عقیقه:

سنت است که در روز هفتم تولد، حیوان ذبح شود، اگر در روز هفتم نشد، در روز چهاردهم و اگر در روز چهاردهم نشد، در روز بیست و یکم ذبح شود :

از بریده روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : **(العقيقة تذبح لسبع، أو لأربع عشرة، أو لإحدى و عشرين)** [1321] «عقیقه در روز هفتم یا چهاردهم یا بیست و یکم ذبح شود».

آنچه در حق نوزاد مستحب است:

1- تحنیک (شیرین کردن نوزاد) :

از ابوموسیٰ روایت است : **(ولد لی غلام فدتیت به للنبی ﷺ فسماه إبراهیم، فحنکه بتمره و دعا له بالبركة و دفعه إلی و كان أكبر ولد أبي موسى)** [1322] «خدا پسری به من داد او را نزد پیامبر ﷺ بردم، او را ابراهیم نام نهاد و با خرما می شیرین کرد و برایش دعایی برکت کرد، سپس او را به من برگرداند، او بزرگترین فرزند ابوموسیٰ بود».

2- تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و به وز موی سرش نقره، صدقه دادن :

از حسن بن سمره روایت است که پیامبر r فرمود : (كل غلام مرتهن بعقيقته، تذبح عنه يوم السابع و يحلق رأسه و يسمي) [1323] «هر نوزادی به خاطر عقیقه‌اش در گرو است، که باید در روز هفتم عقیقه ذبح، و سر نوزاد تراشیده و نامگذاری شود».

از ابورافع روایت است : وقتی حسن به دنیا آمد پیامبر r به فاطمه فرمود : (احلقی رأسه، و تصدقی بوزن شعره فضة علی المساکین) [1324] «سرش را بتراش و به وزن مویش نقره به مساکین صدقه بده».

3- ختنه کردن در روز هفتم :

به دلیل حدیثی که طبرانی در (المعجم الصغیر) [1325] از جابر روایت کرده که گفت : (أن رسول الله r عق عن الحسن و الحسين و ختنهما لسبعة أيام) پیامبر r برای حسن و حسین عقیقه داد و در روز هفتم آنها را ختنه کرد».

و به دلیل حدیثی که طبرانی در (الأوسط) [1326] از ابن عباس روایت کرده که گفت : (سبعة من السنة فی الصبی يوم السابع : یسمی، و یختن، و یماط عنه الأدی، و تثقب أذنه، و یعق عنه، و یحلق رأسه، و یلطح بدم عقیقه، و یتصدقة بوزن شعر رأسه ذهباً أو فضة) «هفت چیز در روز هفتم تولد سنت است : نامگذاری، ختنه، برداشتن اذیت از او، سوراخ کردن گوش (برای دختران)، دادن عقیقه، تراشیدن موی سر، آغشته کردن او به خون عقیقه(*)، و به وزن موی سرش طلا یا نقره صدقه دادن».